

"تبیین رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرسان، حق الزحمه‌ی حسابرسان، با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای"

رویا دارابی^۱، بهرام پسندیده پارسا^۲، محمدرضا حاجی رضا^۳

چکیده

باتوجه به سودمندی که کیفیت گزارشگری مالی در اتخاذ تصمیم آگاهانه توسط استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) درباره‌ی سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های تجاری دارد، میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسان، حفظ استقلال حسابرسان و افزایش کیفیت حسابرسان می‌تواند منجر به کاهش تصمیم‌های گزارشگری نامعقول مدیریت در رابطه با کیفیت سود و در نهایت افزایش کیفیت گزارشگری مالی بنگاه تجاری شود، و از طرفی می‌تواند سبب ایجاد وابستگی اقتصادی میان حسابرسان و صاحب‌کار و فراهم آوردن موجبات بروز تردیدی اساسی درباره‌ی استقلال حسابرسان و پایین آمدن کیفیت حسابرسان و تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرسان شود که این امر موجب کاهش اعتماد عمومی (ذی‌نفعان) نسبت به کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، تبیین وجود رابطه بین کیفیت حسابرسان، استقلال حسابرسان و حق‌الزحمه‌ی حسابرسان با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی بوده و از آزمون فرضیه‌ها بر اساس رگرسیون چند متغیره استفاده شده و از نظر نوع هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی و انجام پژوهش در چارچوب استدلال استقرایی صورت پذیرفته است. جامعه‌ی آماری آن شامل کلیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای در ایران می‌باشد که به منظور دست‌یابی به هدف پژوهش، دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش، بیان‌کننده‌ی وجود رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیم (مثبت) بین کیفیت حسابرسان، استقلال حسابرسان و حق‌الزحمه‌ی حسابرسان با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران می‌باشد.

کلید واژه‌ها: کیفیت حسابرسان، استقلال حسابرسان، حق‌الزحمه‌ی حسابرسان و کیفیت گزارشگری مالی.

۱. دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
royadarabi110@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
pasandideh_p@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mohammadrezahajireza@gmail.com

مقدمه

صورت‌های مالی به عنوان هسته اصلی گزارشگری مالی حاوی اطلاعاتی درباره‌ی وضعیت مالی و عملکرد مالی بنگاه‌های اقتصادی است؛ که به منظور استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) نظیر سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دولت تهیه و ارائه می‌شود. از آنجایی که اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی یکی از پایه‌های مهم اتخاذ تصمیمات منطقی به شمار می‌رود، لذا استفاده‌کنندگان باید در فرآیند تصمیم‌گیری، پیش از به کارگیری گزارشگری مالی، کیفیت آن را ارزیابی کنند (بزرگ اصل، ۱۳۸۰). در این راستا، بالا بردن مستمر کیفیت گزارشگری مالی و اطلاعات ارائه شده از سوی حرفه، جزء ضروریات دنیای تجاری و حرفه‌ای امروز به شمار می‌رود (رحمانی و ایمنی، ۱۳۹۰)؛ و اگر هدف حسابرسی را ارتقای سودمندی اطلاعات صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان فرض کنیم، و حسابرسان نتوانند نقش خود را در اعتبار بخشی به صورت‌های مالی به درستی ایفا نمایند، در آن صورت حسابرس وظیفه‌ی خود را در رفع تضاد میان منافع استفاده‌کنندگان اطلاعات (ذی‌نفعان) به ویژه سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه و تهیه‌کنندگان اطلاعات، ایفا نموده است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۱)؛ بنابراین وجود تضاد منافع میان سهامداران و مدیران، اهمیت ویژه‌ای به حسابرسی برای رفع این تضاد می‌دهد. پس، حسابرسی به عنوان سازوکاری کارآمد، به سهامداران این اطمینان را می‌دهد که مدیران در اداره‌ی شرکت در راستای منافع سهامداران عمل نموده‌اند یا خیر؟

کار حسابرسی اطمینان بخشی به سهامداران و سایر اشخاص ذی‌نفعی است که با شرکت طرف قرارداد هستند (والکر، ۲۰۰۳) و در بیان مسئله‌ی انجام این پژوهش می‌توان ابراز نمود که در بیانیه‌ی مفهومی شماره‌ی ۲ هیات تدوین استانداردهای حسابداری (۱۹۸۰)، ویژگی کیفی اطلاعات حسابداری و به تبع آن کیفیت اطلاعات و کیفیت گزارشگری مالی پس از اهداف گزارشگری مالی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار گرفته بود؛ که این هیات با انتشار بیانیه‌ی مفهومی شماره‌ی ۸ در سال ۲۰۱۰ و تعدیل و تغییر ویژگی‌های اطلاعات با کیفیت، بار دیگر نشان داد که کیفیت اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها در صدر مهم‌ترین موضوعات حسابداری قرار دارد (ملا امینی و مرفوع، ۱۳۹۴). و از سوی دیگر، حسابرسان در خصوص مربوط بودن و قابل اعتماد بودن صورت‌های مالی گزارش شده، با استفاده از شواهد موجود اظهار نظر می‌کنند؛ و با توجه به این مهم که قابلیت اعتماد و مربوط بودن از اجزای خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات می‌باشند، کار حسابرسان با کیفیت اطلاعات مالی و به تعبیری دیگر، کیفیت گزارشگری مالی گره خورده است. همچنین حسابرسان به عنوان بررسی‌کنندگان کیفیت اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها، وظیفه‌ی تطبیق اطلاعات با مستندات و وقایع، شناسایی انحرافات و گزارش به ذی‌نفعان و در نهایت افزایش قابلیت اتکای اطلاعات را بر عهده دارند (حساس یگانه ۱۳۹۱)؛ و درحالی که در پی رسوایی‌های مالی موسسه‌هایی نظیر انرون، ورلد کام،

پارامترات و اهدا، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم‌های گزارشگری مالی ضعیف شده و کیفیت گزارشگری مالی به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده مطرح گردیده است، در نتیجه، تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری منتج از سیستم‌های گزارشگری مالی و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها قرار گرفته است (سجادی و محمدی، ۱۳۸۹). علی‌رغم آن که مسئولیت تهیه‌ی صورت‌های مالی بر عهده‌ی مدیریت است. اما در پی این وقایع مهم، انگشت اتهام به سوی حسابرسان نیز نشانه رفته است. تا جایی که عموماً از این وقایع به عنوان «شکست حسابرسی» یاد می‌شود. تلقی عموم این است که فقدان استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی موجب وقوع چنین وقایعی شده است. البته در پی این رخداد، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی سعی در تدوین مقرراتی داشته‌اند تا استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند (لی و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین، با توجه به جایگاه و نقش موسسه‌های حسابرسی با اعتبار بخشی به گزارشات مالی در راستای افزایش سودمندی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، استقلال واقعی حسابرس و کیفیت کار موسسه‌های حسابرسی به عنوان عوامل کلیدی در تهیه‌ی گزارش‌های حسابرسی قلمداد می‌شوند و سرلوحه‌ی توجه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قرار گرفته است که در همین رابطه، هویتاش و همکاران (۲۰۰۷)، نیز به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و حق الزحمه‌ی حسابرسان پرداختند که طبق دیدگاهی حق الزحمه‌های بالا می‌تواند از طریق افزایش تلاش‌های حسابرسان منجر به افزایش کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرس) شده و طبق دیدگاهی دیگر، می‌تواند (در بلند مدت) باعث افزایش وابستگی مالی به صاحب‌کاران و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی (و تردید اساسی در حفظ استقلال حسابرس) شود. چنین تصور می‌شود که کیفیت حسابرسی و حفظ استقلال حسابرس از جمله عواملی است که از دید استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان)، موجب ارتقای سطح کیفیت گزارشگری مالی می‌شود که این دو عامل نیز خود تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله رابطه‌ی حسابرس با صاحب‌کار و میزان حق الزحمه‌ی حسابرسی می‌باشند. در واقع حق الزحمه‌ی حسابرسی همانند یک شمشیر دولبه است که از یک طرف می‌تواند منجر به بهبود کیفیت حسابرسی و حفظ استقلال حسابرس شود و از طرف دیگر ممکن است، سبب پایین آمدن کیفیت حسابرسی شده و حتی استقلال حسابرس را خدشه دار کند. بنابراین از آنجایی که گزارش حسابرس در فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به عنوان یکی از اطلاعات سودمند در نظر گرفته می‌شود، از این رو پرسش اصلی این پژوهش آن است که کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های بیمه‌ای چه تأثیری می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی در این شرکت‌ها داشته باشد؟

بنابراین ضرورت انجام این پژوهش با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های قبلی که همگی در رابطه با شرکت‌های بوری و خصوصی در بازار سرمایه انجام پذیرفته شده است و همچنین با توجه به

قوانین و مقرراتی که در این صنعت خاص حاکم و از طرف بیمه‌ی مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر شرکت‌های بیمه الزام شده است، پژوهش انجام شده حاضر در نوع خود نسبت به پژوهش‌های دیگر که عمدتاً شرکت‌های دیگر پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و با ساختار مدیریت خصوصی را مورد بررسی قرار داده‌اند، بی‌بدیل می‌باشد. تاکنون در این حوزه و صنعت خاص، پژوهشی در این سطح انجام نشده است؛ لذا استفاده از نتایج دیگر پژوهش‌های انجام شده قبلی ذکر شده، می‌تواند با توجه به دلبه بودن بازتاب نتایج این پژوهش‌ها، و مشخص نبودن تبعات آن بر این صنعت خاص، متناسب نمودن هر یک از نتایج قبلی به این صنعت خاص موجب ایجاد اثرات منفی، تحمیل هزینه‌ی اضافی و یا کاهش کیفیت گزارشگری مالی در این حوزه گردد. بنابراین هدف از این پژوهش در پی یافتن پاسخی مناسب برای سؤال مطرح شده‌ی پژوهش در این حوزه بوده و در این راستا، این پژوهش دارای اهداف کاربردی بوده که نتایج آن می‌تواند در شرکت‌هایی در حوزه‌ی فعالیت و صنعت خاص و مشابه با نحوه‌ی فعالیت و ساختار سازمانی با شرکت‌های بیمه نیز مورد توجه قرار گیرند؛ در واقع هدف اصلی از این پژوهش بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرِس و حق الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد.

پیشینه‌ی پژوهش

کیفیت گزارشگری مالی در بازارهای مالی یکی از موضوعات مورد علاقه مشارکت‌کنندگان (ذی‌نفعان) در بازار می‌باشد که به موجب آن اطلاعات تهیه، منتشر و برای اهداف تخصیص سرمایه (تصمیم‌های سرمایه‌گذاری که آینده‌نگر هستند) مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین اطلاعات برای ارزیابی نتایج گذشته (اهداف قراردادی از قبیل عملکرد مدیریت و قراردادهای پاداش مدیریت) نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ که در این رابطه، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴)، اعتقاد دارند که استفاده از اطلاعات در تخصیص منابع، شالوده‌ای برای استفاده (ذی‌نفعان) از آن در ارزیابی نتایج است، زیرا؛ هدف اولیه‌ی بازارهای مالی تخصیص بهینه‌ی منابع است و با افزایش کیفیت گزارشگری مالی، سودمندی آن برای تصمیم‌های تخصیص سرمایه افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، هدف اولیه‌ی اطلاعات حسابداری و گزارشگری مالی در بازار سرمایه، کمک به تصمیم‌گیری و قضاوت مطمئن‌تر ذی‌نفعان است. زیرا، گزارش‌های با کیفیت‌تر، منجر به تصمیمات و قضاوت‌های با کیفیت و مفیدتر برای استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) می‌شود. و هدف ثانویه کیفیت اطلاعات گزارش شده، پیام دهی به مشارکت‌کنندگان در تولید و انتشار اطلاعات است؛ که با چه کیفیتی به ایفای وظایف خود می‌پردازند. و البته حسابرسان به دلیل ارائه‌ی خدمات حسابرسی، نقش مهمی در جهت حفظ منافع عمومی در بازارهای سرمایه ایفا می‌کنند؛ زیرا، گزارش‌های حسابرسی، یکی از مواردی است که به عنوان راهنمای سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری استفاده می‌شود

و کیفیت پایین این گزارش‌ها، می‌تواند به تخصیص نامناسب منابع در جامعه منجر شود و از طرفی ایفای نقش به عنوان حافظ منافع جامعه (ذی‌نفعان) مستلزم این است که حسابرس در مقابل صاحب‌کار، (استقلال داشته و) مستقل باقی بماند. در حقیقت کیفیت و اعتبار گزارش حسابرسی به میزان استقلال حسابرس از صاحب‌کار خود نیز بستگی دارد؛ اما در عمل نفوذ صاحب‌کار بر مسائل مربوط به انتخاب و ارائه‌ی اطلاعات به حسابرس، به همراه انگیزه‌های بالای مدیریت برای دستیابی به اهداف تعیین شده یا عبور از آن‌ها، موانع مهمی بر سر راه (حفظ استقلال و) مستقل باقی ماندن حسابرسان محسوب می‌شوند (ونس ترائلن، ۲۰۰۰). از سوی دیگر، ورشکستگی شرکت‌های بزرگ در ابتدای قرن حاضر، موجب شد تا موضوع قابلیت اتکای گزارشگری مالی مورد توجه افکار عمومی (ذی‌نفعان) واقع شود و با این که مسئولیت تهیه‌ی صورت‌های مالی دقیق و عاری از خطا و اشتباه به عهده‌ی هیات‌مدیره‌ی شرکت‌ها است، اما این ورشکستگی‌ها سؤال‌های زیادی درباره‌ی کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرسان به وجود آورده است. قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی در تلاش هستند، تا از طریق وضع قوانین مؤثر (برای مثال، قانون ساریبیز آکسلی، ۲۰۰۲) سبب حفظ استقلال حسابرسان و بالابردن کیفیت حسابرسی شده و متعاقباً کیفیت گزارشگری مالی را افزایش دهند.

و اما در رابطه با بررسی پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام شده خارجی؛ میترا، جگی و ال‌حیال (۲۰۱۹)، دریافتند که در شرکت‌های با مدیران بیش اطمینان، وجود هیات‌مدیره اثربخش، سبب تقاضای بیش‌تر برای حسابرسی با کیفیت شده و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در این شرکت‌ها افزایش می‌یابد. لاراسیتی و همکاران (۲۰۱۹)، نیز طی پژوهشی به تحلیل نقش کمیته‌ی حسابرسی مستقل و کمیته‌ی مدیریت ریسک و هزینه‌ی حسابرسی پرداخته و در این رابطه بین کمیته‌ی حسابرسی و کمیته‌ی مدیریت ریسک و هزینه‌های حسابرسی در کشور اندونزی پژوهشی را انجام داده‌اند که نتایج به‌دست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که با مشارکت یک کمیساریای مستقل به عنوان یک عضو کمیته‌ی حسابرسی، رابطه بین کاهش ریسک کمیته‌ی حسابرسی و هزینه‌ی حسابرسی معنی‌دار می‌باشد. بدین صورت که پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که وجود کمیته‌ی مستقل و مدیریت ریسک و یک کمیته مستقل‌تر به توسط کمیساریای مأمور در کمیته‌ی حسابرسی، خواستار پوشش بیش‌تر حسابرسی بوده و در نتیجه هزینه‌ی حسابرسی را افزایش می‌دهد و این مهم زمانی شدت می‌یابد که کمیته‌های مدیریت ریسک و حسابرسی مستقل بتوانند به طور عینی ریسک موجود را ارزیابی کنند. زیرا با افزایش تقاضا برای حسابرسی و جهت پاسخ به آن و برای حفظ کیفیت حسابرسی بالاتر، سبب پرداخت هزینه‌هایی به مأمور کمیساریا و در نهایت افزایش هزینه‌های حسابرسی می‌شود. سلیم و الزوی (۲۰۱۸)، نیز طی پژوهش انجام شده، بیان می‌نمایند که کیفیت حسابرسی و صلاحیت حسابرسی، اندازه، تخصص و استقلال حسابرس و تأمین مالی بدهی (بدهی کم) پتانسیل مدیریت

درآمد را کاهش می‌دهد و به نوبه خود کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. زیرا، به طور دائمی، بدهی‌های بالا باعث افزایش ریسک مدیریت درآمد می‌شود. آجی منساه (۲۰۱۸)، هم طی پژوهشی دریافتند که اثر جایگزینی و مکملی بین حضور موسسه حسابرسی بزرگ (کیفیت حسابرسی بالاتر) و کمیته‌ی حسابرسی اثربخش در افزایش کیفیت افشای اطلاعات مالی (کیفیت گزارشگری مالی) وجود دارد. همچنین گاینور و همکاران (۲۰۱۶)، نیز با استفاده از چارچوب محیطی به انجام پژوهش‌هایی پرداختند که در دو حوزه‌ی کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی انجام شده بود. به اعتقاد ایشان این دو حوزه همواره مورد علاقه‌ی پژوهشگران بوده و در تحقیقات قبلی، ویژگی‌های مختلفی برای اندازه‌گیری آن‌ها ارایه شده است. آن‌ها با ارائه‌ی مطالب تئوری و با استناد به پژوهش‌های قبلی، وجود رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی را مورد اثبات قرار دادند. راسمین و همکاران، (۲۰۱۴) نیز طی پژوهشی بیان نموده‌اند که نگرانی‌هایی درباره‌ی وجود تمرکز در بازار حسابرسی منجر شده که بعضی از کشورها بازار حسابرسی بسیار رقابتی و متشکل از مؤسسه‌های کوچک داشته باشد، و وجود این مؤسسه‌های کوچک به حساب‌رسان انگیزه می‌دهد که برای رقابت، به صاحب‌کاران تخفیف‌های بیش‌تری در حق الزحمه‌ی حسابرسی را پیشنهاد بدهند که کاهش کیفیت حسابرسی پیامد چنین فضایی است. بنابراین، حساب‌رسان برای کسب و یا حفظ شهرت و اعتبار خود برآن هستند که رسیدگی‌های دقیق‌تری انجام داده و از دعاوی حقوقی و محرومیت‌ها اجتناب کنند و کیفیت اطلاعات مالی و گزارشگری مالی را افزایش دهند که در نتیجه آن، شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها افزایش می‌یابد. زیرا حسابرسی با کیفیت‌تر صحت اطلاعات ارایه شده را بهبود می‌بخشد و به سرمایه‌گذاران (ذی‌نفعان) اجازه می‌دهد، تا برآورد دقیق‌تری از ارزش شرکت به دست آورند. با افزایش کیفیت حسابرسی این انتظار وجود دارد که احتمال جلوگیری از گزارشگری نتایج متقلبانانه افزایش یابد و کیفیت گزارشات مالی بهبود یابد و از طرفی نیوتن و همکاران (۲۰۱۳)، طی پژوهشی بیان نمودند که افزایش تمرکز در بازار فعالیت حرفه‌ی حسابرسی باعث کاهش ریسک حساب‌رسان از نبود صاحب‌کار می‌شود و به حساب‌رسان این اطمینان را می‌دهد که فعالیت حسابرسی را با کیفیت بیش‌تری انجام دهند که همین نکته افزایش استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی را در پی خواهد داشت. و سوسانتی سوسنو (۲۰۱۳)، به بررسی و تحلیل تجربی استقلال حسابرس و حق الزحمه‌ی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداخت که نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که استقلال حسابرس و هزینه‌ی حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی دارند و می‌توان با تغییر نگرش‌ها و تعیین حق الزحمه‌ی حسابرسی کافی جهت افزایش کیفیت حسابرسی گام برداشت. فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳)، طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تنها چند مؤسسه‌ی بزرگ توانایی حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ را دارند. که این موضوع به افزایش حق الزحمه و کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرس) منتهی می‌شود؛ چمبرز و پاین (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی و اقلام

تعهدی اختیاری به این نتیجه رسیدند که مقدار بازده عملیاتی مربوط به اقلام تعهدی اختیاری رابطه‌ی منفی با کیفیت حسابرسی دارد. آنان در پژوهش خود در خصوص کیفیت حسابرسی و قابلیت اتکای اقلام تعهدی به این نتیجه رسیدند که بالا بودن کیفیت حسابرسی و همچنین به کارگیری قانون ساربینز آکسلی موجب افزایش قابلیت اتکای اقلام تعهدی می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود با افزایش کیفیت حسابرسی، احتمال استفاده از روش‌های قابل تردید حسابداری و رفتارهای فرصت طلبانه مدیران کاهش یابد که این موضوع افزایش کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال خواهد داشت. هتفیلد و همکاران (۲۰۰۷)، عقیده دارند که حسابرسان برای جذب و حفظ مشتری، حق الزحمه‌ی کمی را دریافت می‌کنند و انتظار دارند تا در سال‌های بعد از طریق افزایش این حق الزحمه، زیان‌های سال‌های اول حسابرسی را جبران کنند. بر این اساس، حسابرسان با دوره‌ی تصدی کوتاه ممکن است در سال‌های اول حسابرسی سهل‌انگارتر (دارای کیفیت حسابرسی پایین‌تری) باشند که این امر موجب کاهش کیفیت حسابرسی (و ایجاد تردید در استقلال حسابرسان) و کیفیت کم‌تر سود گزارش شده (و در نهایت منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی) می‌شود. میرز و همکاران (۲۰۰۳)، طی پژوهشی کیفیت بالای حسابرسی را در محدود کردن تصمیم‌های گزارشگری غیرمتعارف مدیریت دانسته‌اند و معتقدند که برای نشان دادن این تصمیم‌های غیرمتعارف، می‌توان از اقلام تعهدی اختیاری استفاده کرد؛ و در ادامه در رابطه با بررسی پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام شده داخلی؛ طرخورانی، علی؛ محمدی، سید موسی؛ عسکری، میثم (۱۳۹۹)، طی پژوهشی به بررسی تاثیر کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نموده که نتایج به دست آمده حاکی از این است که کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی تاثیر معناداری دارد. بهبهانی‌نیا، پریسا سادات؛ ولی‌زاده لاریجانی، اعظم (۱۳۹۹)، طی پژوهشی به بررسی تأثیر طبقه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی معتمد (کیفیت حسابرسی) بر گزارشگری مالی صاحب‌کاران پرداخته‌اند که نتایج به دست آمده حاکی از این است که بین طبقه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی (کیفیت حسابرسی) و امتیاز افشا و اطلاع رسانی صاحب‌کار آن رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین براساس نتایج به دست آمده، طبقه‌ی مؤسسه حسابرسی بر ضریب واکنش به سود تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر، این متغیر تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. تحریری، آرش، پیری سقرلو، مهدی (۱۳۹۹)، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر استقلال حسابرسان با توجه به برداشت حسابرسان و مدیران مالی ایرانی از مفهوم زیربنایی استقلال حسابرسان در کار حسابرسی پرداختند که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود توافق کلی در مورد شاخص‌های تأثیرگذار بر استقلال حسابرسان بین دو گروه حسابرسان و مدیران مالی، تفاوت معنی‌دار بین شدت و میزان تأثیر شاخص‌های مورد بررسی بر استقلال حسابرسان و بین دو گروه وجود دارد، به طوری که در مورد تمامی شاخص‌های هفت‌گانه بر آمده از تحلیل عاملی حسابرسان شدت بیش‌تری را قائل

بودند. فتحی، میثم (۱۳۹۷)، به بررسی تاثیر مولفه‌های استقلال حسابرِس بر کیفیت حسابرسی پرداختند که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مولفه‌های حسابرسی صاحبکار، خدمات غیر حسابرسی، وابستگی اقتصادی حسابرِس، نقش مدیریت در اقتصاد حسابرِس و تعیین حق الزحمه‌ی حسابرِس از استقلال حسابرِس با کیفیت حسابرسی همبستگی مشاهده گردید و با توجه به آزمون رگرسیون بین مولفه‌های حسابرسی صاحبکار، خدمات غیر حسابرسی، وابستگی اقتصادی حسابرِس و تعیین حق الزحمه‌ی حسابرِس و کیفیت حسابرسی رابطه‌ی خطی وجود دارد ولی رابطه خطی بین کیفیت حسابرسی و مولفه‌ی نقش مدیریت در اقتصاد حسابرِس مشاهده نگردید. همچنین گرجی‌زاده، داود؛ خان محمدی، محمد حامد؛ بزرگی، زهرا (۱۳۹۶)، طی پژوهشی به بررسی تأثیر اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی و حق الزحمه‌ی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی پژوهش، حاکی از این است که اندازه‌ی مؤسسه حسابرسی و تغییر حق الزحمه‌ی حسابرِس بر کیفیت حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و در این زمینه نیز اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی بر رابطه‌ی بین حق الزحمه‌ی حسابرسی و کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با این حال، به گفته حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۵)، هر قدر حسابرِس از کیفیت، شهرت و نفوذ در بازار حسابرسی و قدرت چانه زنی بیش تری برای تعیین حق الزحمه برخوردار باشد، بر حق الزحمه‌ی حسابرسی او افزوده خواهد شد. براساس یافته‌های فوق، رویکردهای متفاوتی درباره‌ی تأثیر تمرکز در بازار حسابرسی بر حق الزحمه و کیفیت حسابرسی وجود دارد. نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵)، نیز در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین حق الزحمه و تجربه‌ی حسابرِس با کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند که نتایج آن حاکی از این است که تغییر حق الزحمه‌ی حسابرِس با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش انجام شده از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی می‌باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌های استقرایی صورت گرفته است و پژوهش حاضر بر اساس ماهیت در زمره‌ی پژوهش‌های توصیفی (غیرآزمایشی) و همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون چند متغیره قرار دارد؛ که در این رابطه تعداد ۳۱ شرکت، به عنوان جامعه‌ی هدف می‌باشد؛ که همه‌ی آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. از این رو مشاهده‌ها طی بازه‌ی زمانی ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ به ۱۵۵ سال شرکت (۵ سال × ۳۱ شرکت) می‌رسد. پس با توجه به تعداد نمونه که بیش از سی شرکت می‌باشد و انجام آزمون نرمال بودن جامعه‌ی آماری، در این پژوهش از روش‌های آماری پارامتریک استفاده شده است و پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های پس رویدادی است؛ که در این روش، داده‌ها از محیطی به طور طبیعی که حاصل نتیجه و وقایع گذشته هستند، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. در پژوهش پیش‌رو نیز اطلاعات گذشته مربوط به جامعه‌ی مورد پژوهش از صورت‌های مالی هر یک از شرکت‌های بیمه‌ای در ایران جمع‌آوری

و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای خلاصه کردن داده‌ها و اطلاعات و برای محاسبه متغیرهای پژوهش، از نرم‌افزار Excel و برای آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار Spss و Eviews استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، کلیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای بوده است. بدین منظور، اطلاعات مالی استخراج شده از گزارش‌های مالی ۳۱ شرکت بیمه‌ای واقع در ایران برای سال‌های ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ شامل؛ ایران، آسیا، البرز، دانا، معلم، اتکایی امین، آسماری، تجارت نو، پارسیان، کارآفرین، رازی، سینا، ملت، امید، متقابل اطمینان متحد قشم، حکمت صبا، دی، سامان، نوین، پاسارگاد، میهن، حافظ، اتکایی ایرانیان، زندگی خاورمیانه، کوثر، ما، آرمان، تعاون، سرمد، ایران معین و متقابل کیش می‌باشد.

فرضیه‌ها، مدل‌های آماری و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی برای طبقه‌بندی و گردآوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده است و از تحلیل همبستگی برای بررسی تغییرات یک متغیر بر سایر متغیرها استفاده می‌شود؛ و از ضریب همبستگی پیرسون برای وجود همبستگی بین متغیرها استفاده شده است؛ که با توجه به ادبیات نظری و اهداف پژوهش، فرضیه‌ها و مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

فرضیه‌ی اصلی و مدل آماری پژوهش؛ «بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد». در این پژوهش جهت تبیین وجود رابطه بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای (بررسی ارزشی بین هر یک از متغیرهای پژوهش) از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود. رابطه‌ی اول:

$$FRQ_{it} = \alpha_0 + \beta_1 A\text{QUA}_{it} + \beta_2 A\text{IND}_{it} + \beta_3 LNA\text{FEE}_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

فرضیه‌ی فرعی اول و مدل آماری پژوهش؛ «بین کیفیت حسابرسی، با کیفیت گزارشگری

مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد». رابطه‌ی دوم:

$$FRQ1_{it} = \alpha_0 + \beta_1 A\text{QUA}_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

فرضیه‌ی فرعی دوم و مدل آماری پژوهش؛ «بین استقلال حسابرسی با کیفیت گزارشگری

مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد». رابطه‌ی سوم:

$$FRQ2_{it} = \alpha_0 + \beta_1 A\text{IND}_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

فرضیه‌ی فرعی سوم و مدل آماری پژوهش؛ «بین حق الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت

گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد». رابطه‌ی چهارم:

$$FRQ3_{it} = \alpha_0 + \beta_1 LNA\text{FEE}_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 INVREC_{it} + \xi_{it}$$

اجزای مدل فرضیه‌ی اصلی عبارتند از:

FRQ_{it} : متغیر وابسته پژوهش، کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد، که در این پژوهش برای ارزیابی آن از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)، استفاده شده است. رابطه‌ی پنجم:

$$TAC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{it-1} + \beta_2 CFO_{it} + \beta_3 CFO_{it+1} + \beta_4 \Delta REV_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \xi_{it}$$

$$FRQ_{it} = \xi_{it}$$

TAC_{it} : اقلام تعهدی تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره می‌باشد که از فرمول زیر محاسبه می‌گردد. رابطه‌ی ششم:

$$TAC_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it}) - (\Delta CL_{it} - \Delta STD_{it}) - DEP_{it}$$

ΔCA_{it} : نشان دهنده‌ی تغییرات در دارایی جاری نسبت به دوره قبل.

$\Delta CASH_{it}$: نشان دهنده‌ی تغییرات در موجودی نقد دوره جاری نسبت به دوره قبل.

ΔCL_{it} : نشان دهنده‌ی تغییرات در بدهی جاری نسبت به دوره قبل.

ΔSTD_{it} : نشان دهنده‌ی تغییرات در تسهیلات کوتاه مدت مالی دریافتی نسبت به دوره قبل.

DEP_{it} : هزینه‌ی استهلاک دارایی‌های ثابت می‌باشد.

CFO_{it} : جریان نقد عملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

ΔREV_{it} : تغییرات در آمد تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

PPE_{it} : دارایی‌های ثابت مشهود تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

$FRQ_{it} = \xi_{it}$: مدل فوق برای هر سال شرکت برآورد و عکس انحراف استاندارد سه ساله جز خطا

به عنوان متغیر کیفیت اطلاعات حسابداری یا گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود.

$AQUA_{it}$: متغیر مستقل پژوهش، کیفیت حسابرسی می‌باشد، به این صورت که اگر حسابرس شرکت سازمان حسابرسی و یا در زمره‌ی موسسه‌های حسابرسی با درجه‌ی کیفیت «الف» که توسط جامعه‌ی رسمی حسابداری ایران اسامی آن بیان شده است باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است.

$AIND_{it}$: متغیر مستقل پژوهش، استقلال حسابرس می‌باشد، براساس بند ۱۱-۱۶ بخش ب احکام قابل اجرا توسط حسابداران رسمی شاغل، در آیین رفتار حرفه‌ای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (۱۳۸۲)، در رابطه با میزان حق الزحمه و استقلال حسابرس، این گونه بیان شده است که «حسابدار رسمی شاغل باید توجه کند در صورتی که بخش عمده‌ای از درآمدهای سالانه وی به طور مستمر از طریق یک صاحبکار یا گروهی از صاحبکاران مرتبط تأمین می‌شود، چنین وضعیتی می‌تواند موجب بروز شک و ابهام نسبت به استقلال وی گردد. اگرچه رعایت ملاحظات استقلال از مسئولیت‌های حسابدار رسمی است، اما در هر صورت تحصیل بیش از ۲۵ درصد درآمدهای مستمر سالانه یک حسابدار رسمی یا مؤسسه‌ی حسابرسی از یک صاحبکار یا گروه صاحبکار خاص، برای مدتی بیش از ۲ سال مجاز نیست». پس، بر این اساس در پژوهش فوق از نسبت درآمد حق الزحمه‌ی

دریافتی سالانه هر موسسه‌ی حسابرسی نسبت به کل درآمد ابرازی در آن سال و از رابطه‌ی زیر استفاده شده است. که در این خصوص هرچه میزان درآمد سالیانه‌ی یک موسسه‌ی حسابرسی از یک صاحب‌کار یا گروه صاحب‌کار کم‌تر از ۲۵ درصد درآمد سال باشد (و با کسر آن در مدل آماری زیر از عدد یک) در صورتی که عدد به‌دست آمده از رابطه فوق ۷۵ درصد و بیش از آن و نزدیک‌تر به عدد یک یا ۱۰۰٪ باشد، یعنی الزامات درجه شده در بند ۱۱-۱۶ آیین رفتار حرفه‌ای رعایت شده و موسسه‌ی حسابرسی دارای استقلال نسبی مناسب نسبت به آن شرکت در آن دوره می‌باشد، و از طرفی به دلیل مجازی بودن متغیر فوق عدد یک لحاظ می‌شود و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است که در این زمینه می‌توان از رابطه‌ی زیر استفاده نمود. رابطه هفتم:

$$RIND_{it} = 1 - \frac{A INC_{it}}{A TC_{it}} \times 100\%$$

$RIND_{it}$: درصد استقلال نسبی از نظر درآمد موسسه حسابرسی نسبت به آن صاحب‌کار در سال مورد نظر،

$A INC_{it}$: درآمد حسابرسی آن موسسه‌ی حسابرسی از آن صاحب‌کار در سال مورد نظر،

$A TC_{it}$: درآمد کل حسابرسی آن موسسه‌ی حسابرسی از تمامی صاحب‌کاران در سال مورد نظر،

$LNA FEE_{it}$: متغیر مستقل در این پژوهش، حق الزحمه‌ی حسابرسی است. حق الزحمه‌ی حسابرسی شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه‌ی خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرارداد به حسابرس یا مؤسسه‌ی حسابرسی پرداخت می‌شود. مبلغ حق الزحمه‌ی حسابرسی از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و از بخش هزینه‌های اداری و عمومی استخراج شده است، و از لگاریتم طبیعی میزان حق الزحمه‌ی حسابرسی استفاده شده است (آگوستین، ۲۰۱۴؛ ووتن، ۲۰۰۳ و کراسول و همکاران، ۲۰۰۲).

$SIZE_{it}$: متغیر کنترلی پژوهش، اندازه‌ی موسسه مورد رسیدگی می‌باشد؛ که از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها استفاده کرده است. از آن جایی که حق الزحمه‌ی حسابرسی تابع میزان زمان صرف شده جهت انجام حسابرسی می‌باشد. در شرکت‌های بزرگ با وجود کنترل‌های داخلی قوی حسابرسان به دلیل حجم معاملات و دارایی‌های زیاد این شرکت‌ها و پیچیدگی عملیات حسابرسی مورد نیازشان، زمان بیشتری صرف عملیات حسابرسی کرده و در نتیجه حق الزحمه‌ی حسابرسی بالاتری طلب می‌کنند؛ اما شرکت‌های کوچک به دلیل سادگی کارشان حق الزحمه حسابرسی کم‌تری پرداخت می‌کنند؛ بنابراین انتظار می‌رود که حق الزحمه‌ی حسابرسی با اندازه‌ی شرکت در ارتباط باشد (مهرانی و اوانکی، ۱۳۹۰).

ROA_{it} : متغیر کنترلی پژوهش، بازده دارایی که از طریق تقسیم سود عملیاتی سالیانه به کل دارایی شرکت محاسبه می‌شود. که به صورت درصد بیان می‌شود. سودآوری شرکت اغلب به عنوان

معیاری جهت ریسک حسابرسی مطرح می‌شود؛ زیرا این امر در اظهار نظر حسابرس در مورد تداوم فعالیت بخش‌هایی از شرکت که با زیان مواجه بوده‌اند، بازتاب پیدا می‌کند. پس، انتظار می‌رود، ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی و بازده دارایی‌ها معکوس باشد (طالب تبار، ۱۳۹۰).

LEV_{it} : متغیر کنترلی پژوهش و از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها به دست می‌آید. شرکت‌های با اهرم مالی بالا احتمال ورشکستگی بالایی دارند که وظیفه‌ی حسابرس در این مورد افشای هزینه‌های حقوقی بالقوه و از این قبیل می‌باشد؛ پس انتظار می‌رود که اهرم مالی بیش‌تر، رابطه‌ی مثبتی با حق الزحمه‌ی حسابرسی داشته باشد (طالب تبار، ۱۳۹۰).

ϵ_{it} : خطای معادله‌ی رگرسیون می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، جهت تحلیل داده‌ها ابتدا با محاسبه‌ی آمار توصیفی به بررسی و تحلیل شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین، میانه، شاخص‌های پراکندگی، انحراف معیار چولگی و کشیدگی پرداخته و در ادامه نیز، جهت سنجش نرمال بودن جامعه آماری مورد بررسی، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از روش تحلیل پانلی استفاده شده است؛ که در این مدل وجود یا عدم وجود اثرات و ثابت یا تصادفی بودن اثرات در مدل‌ها بررسی و در نهایت مناسب‌ترین مدل انتخاب و برآورد شده است؛ و در ادامه آزمون‌های پیش فرض جهت برازش رگرسیون، مانند؛ آزمون نرمال بودن جزء اخلال باقی مانده‌های رگرسیون، مانا بودن متغیرها، نداشتن خود همبستگی، عدم وجود ناهمسانی واریانس و نداشتن هم‌خطی بین متغیرهای مستقل با انجام آزمون‌های مناسب بررسی شده است؛ که در صورت نقض هر کدام از پیش فرض‌ها راهکار مناسبی جهت رفع مشکل لحاظ شده است؛ و مبنای استنباط در این پژوهش از روی سطح معنی‌داری یا مقدار احتمال به دست آمده از نتایج تحلیل آماری پژوهش می‌باشد. بدین گونه که هرگاه مقدار احتمال یا سطح معنی‌داری آزمون کم‌تر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر در سطح ۰/۰۵٪ اطمینان رد شده و فرض یک مورد قبول واقع می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

هدف از این بخش محاسبه پارامترهای جامعه‌ی آماری است. همان‌گونه که از جدول شماره‌ی (۱) مشاهده می‌شود، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس، حق الزحمه‌ی حسابرسی و بازده کل دارایی‌های شرکت دارای چولگی مثبت و به سمت راست و متغیرهای مستقل اندازه‌ی شرکت و اهرم مالی دارای چولگی منفی و به سمت چپ هستند. از سوی دیگر، از مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیرها به مدل رگرسیونی می‌باشد،

انحراف معیار است که با توجه به این که هیچ یک از متغیرها دارای انحراف معیار صفر نمی‌باشد. پس نشان‌دهنده‌ی این مطلب است، که متغیرهای پژوهش دارای شرایط مطلوب برای وارد کردن به مدل رگرسیونی پژوهش می‌باشند؛ که تحلیل صورت پذیرفته نشان می‌دهد که اندازه‌ی شرکت دارای بیشترین انحراف معیار و بازده کل دارایی‌ها دارای کمترین انحراف معیار می‌باشد. همچنین، حق الزحمه‌ی حسابرس دارای کمترین پراکندگی بوده و استقلال حسابرس دارای بیشترین میزان پراکندگی می‌باشد.

جدول شماره (۱)، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های کشیدگی			شاخص‌های مرکزی			نام و تعداد متغیرها		
بیشینه	کمینه	کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	نماد متغیر	نام متغیر
۰/۳۴	۰/۶۵	۰/۱۴۵	۰/۷۱۷	۱/۰۹۳۵۰	۱/۵۶۸۵	۱۵۵	FRQ	کیفیت گزارشگری مالی
۱	۰	۰/۴۶۰	۱/۵۶۷	۰/۳۹۶۳۶	۰/۱۹۳۵	۱۵۵	AQUA	کیفیت حسابرسی
۱	۰	۵/۶۶۰	۲/۷۵۴	۰/۲۹۶۶۱	۰/۹۰۳۲	۱۵۵	AIND	استقلال حسابرس
۸/۶۱	۵/۳۰	-۰/۰۸۲	۰/۳۱۷	۰/۶۸۲۶۲	۷/۰۵۶۷	۱۵۵	LNAFEE	حق الزحمه‌ی حسابرسی
۸/۳۴	۰	۱۴/۱۹۸	-۲/۵۸۸	۱/۴۴۴۵۶	۶/۵۵۲۲	۱۵۵	SIZE	اندازه‌ی شرکت
۰/۳۳	۰	۷/۱۴۰	۲/۱۹۵	۰/۰۵۱۰۴	۰/۰۴۹۳	۱۵۵	ROA	بازده کل دارایی‌ها
۱/۰۸	۰	۰/۳۱۷	-۱/۱۳۴	۰/۲۷۲۲۸	۰/۶۹۰۹	۱۵۵	LEV	اهرم مالی

تحلیل همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی جهت و شدت همبستگی خطی بین متغیرهای پژوهش به ویژه متغیر وابسته با هر یک از متغیرهای مستقل و کنترلی مورد استفاده در آزمون‌های پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده و نتایج آن در جدول شماره (۲) ارائه شده است. چراکه ضریب همبستگی ابزاری آماری برای تعیین نوع، درجه و جهت رابطه‌ی بین یک متغیر کمی با متغیر کمی دیگر است. لذا برای تعیین شدت همبستگی خطی بین متغیرهای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. و با توجه به نتایج به دست آمده از جدول شماره (۲)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد کیفیت گزارشگری مالی نسبت به متغیرهای مستقل کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه‌ی حسابرس به ترتیب با احتمال (۰/۰۰۷)، (۰/۰۳۱) و (۰/۰۱۰) و ضریب آن به ترتیب (۰/۹۳۶)، (۰/۷۰۲) و (۰/۱۰۸) کوچک‌تر از احتمال ۰/۰۵ و دارای رابطه‌ی معنی‌دار مستقیم (مثبت) می‌باشد. همچنین کیفیت در گزارشگری مالی با متغیرهای کنترلی اندازه‌ی شرکت و بازده کل دارایی‌ها با احتمال (۰/۰۰۰) و (۰/۰۴۷) و ضرایب آن به ترتیب (۰/۲۸۰) و (۰/۵۵۸) کوچک‌تر از احتمال ۰/۰۵ و دارای رابطه‌ی معنی‌دار مستقیم (مثبت) می‌باشد و متغیر کنترلی اهرم مالی با احتمال (۰/۰۷۰) بزرگ‌تر از احتمال ۰/۰۵ و دارای رابطه‌ی بی معنی با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد.

جدول شماره‌ی (۲) تحلیل همبستگی متغیرهای پژوهش

LEV	ROA	SIZE	LNA FEE	A IND	A QUA	FRQ	نماد متغیر	شرح
						۱ -	FRQ	کیفیت گزارشگری مالی
					۱ -	۰/۹۳۶ ۰/۰۰۷	A QUA	کیفیت حسابرسی
				۱ -	۰/۱۶۰ ۰/۰۴۶	۰/۷۰۲ ۰/۰۳۱	A IND	استقلال حسابرِس
			۱ -	۰/۲۲۳ ۰/۰۰۵	۰/۳۰۳ ۰/۰۰۰	۰/۱۰۸ ۰/۰۱۰	LNA FEE	حق الزحمه‌ی حسابرسی
	-	۱ -	۰/۴۳۶ ۰/۰۰۰	۰/۱۲۳ ۰/۰۰۱	۰/۲۵۸ ۰/۰۰۱	۰/۲۸۰ ۰/۰۰۰	SIZE	اندازه‌ی شرکت
	۱ -	۰/۰۴۷ ۰/۰۵۶	۰/۰۷۶ ۰/۳۴۸	۰/۰۲۵ ۰/۰۵۱	۰/۰۳۷ ۰/۰۰۳	۰/۵۵۸ ۰/۰۴۷	ROA	بازده کل دارایی‌ها
۱ -	۰/۲۹۶ ۰/۰۰۰	۰/۶۵۷ ۰/۰۰۰	۰/۴۴۳ ۰/۰۰۰	۰/۲۱۳ ۰/۰۰۸	۰/۰۷۸ ۰/۳۳۵	۰/۱۷۳ ۰/۰۷۰	LEV	اهرم مالی

تحلیل یافته‌ها و بررسی نکویی برازش مدل فرضیه اول پژوهش

فرضیه‌ی فرعی اول پژوهش؛ «بین کیفیت حسابرسی، با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد»، مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج به‌دست آمده از برازش مدل رگرسیون پژوهش در جدول شماره‌ی (۳) ارائه شده است:

جدول شماره (۳)، نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه فرعی اول پژوهش

VIF	نتیجه	احتمال	آماره محاسبه شده t	ضریب استاندارد شده	مقدار ضریب	متغیر	عنوان متغیر
۱/۰۸۹	مثبت و معنی‌دار	۰/۰۳۷۸	۰/۸۸۵	۰/۰۷۲	۰/۱۹۹	A QUA	کیفیت حسابرسی
۲/۱۳۸	مثبت و معنی‌دار	۰/۰۰۸	۲/۶۶۸	۰/۳۰۵	۰/۲۳۱	SIZE	اندازه‌ی شرکت
۱/۲۳۵	مثبت و معنی‌دار	۰/۰۴۱	۰/۳۷۰	۰/۰۳۲	۰/۶۸۹	ROA	بازده کل دارایی‌ها
۲/۲۰۳	بی معنی	۰/۹۱۷	۰/۱۰۴	۰/۰۱۲	۰/۰۴۹	LEV	اهرم مالی
	ضریب تعیین	۰/۰۸۴	۰/۰۶۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۱/۶۱۵		دوربین واتسون
	مقدار F	۳/۴۴۹	۰/۰۱۰	مقدار احتمال F	۰/۲۹۰		R ²
$FRQ_{it} = 0.095 + 0.199 AQUA_2 + 0.231 SIZE_3 + 0.689 ROA_4 + 0.049 LEV_5 + \xi_5$							

معنی‌داری مدل فرضیه‌ی فرعی اول پژوهش:

H₀: بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.

H_1 : بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

در جدول فوق مدل با اثرات ثابت برآورد شده است؛ که مقدار احتمال معنی‌داری F در نکویی برازش کل مدل، برابر با ۰/۰۱ است که این مقدار کم‌تر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی با سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل فرضیه معنی‌دار می‌باشد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کیفیت حسابرسی با احتمال (۰/۰۳۷۸) و آماره‌ی محاسبه شده‌ی T با مقدار (۰/۸۸۵) دارای رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیم (مثبت) با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد و با توجه به این مهم که عامل تورم واریانس (VIF) کم‌تر از ۵ و بیش‌تر نزدیک به یک است می‌توان نتیجه گرفت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.

تحلیل یافته‌ها و بررسی نکویی برازش مدل فرضیه‌ی فرعی دوم پژوهش

فرضیه‌ی فرعی دوم پژوهش؛ بین استقلال حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد، مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج به‌دست آمده از برازش مدل رگرسیون پژوهش در جدول شماره‌ی (۴) ارائه شده است:

جدول شماره‌ی (۴)، نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه فرعی دوم پژوهش

عنوان متغیر	متغیر	مقدار ضریب	ضریب استاندارد شده	آماره محاسبه شده t	احتمال	نتیجه	VIF
استقلال حسابرس	A IND	۰/۰۱۰	۰/۰۰۳	۰/۰۳۲	۰/۰۰۷	مثبت و معنی‌دار	۱/۰۵۱
اندازه شرکت	SIZE	۰/۲۱۰	۰/۲۷۷	۲/۵۱۳	۰/۰۰۹	مثبت و معنی‌دار	۱/۹۸۵
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۷۴۶	۰/۰۳۵	۰/۳۹۹	۰/۰۰۱	مثبت و معنی‌دار	۱/۲۳۷
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۱۴	۰/۰۰۶	مثبت و معنی‌دار	۲/۲۴۱
دوربین واتسون	۱/۵۹۶	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۰۵۵	۰/۰۷۹	ضریب تعیین	
R^2	۰/۲۸۲	مقدار احتمال F		۰/۰۱۴	۳/۲۳۶	مقدار F	
$FRQ_{2it} = 0.143 + 0.010 AIND_2 + 0.210 SIZE_3 + 0.746 ROA_4 + 0.007 LEV_5 + \xi$							

معنی‌داری مدل فرضیه فرعی دوم پژوهش:

H_0 : بین استقلال حسابرس با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.

H_1 : بین استقلال حسابرس با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

در جدول فوق مدل با اثرات ثابت برآورد شده است؛ که مقدار احتمال معنی‌داری F در نکویی

برازش کل مدل، برابر با ۰/۰۱۴ است که این مقدار کم‌تر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی با سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل فرضیه معنی‌دار می‌باشد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کیفیت حسابرسی با احتمال (۰/۰۰۷) و آماره‌ی محاسبه شده‌ی T با مقدار (۰/۰۳۲) دارای رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیم (مثبت) با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد و با توجه به این مهم که عامل تورم واریانس (VIF) کم‌تر از ۵ و بیش‌تر نزدیک به یک است می‌توان نتیجه گرفت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.

تحلیل یافته‌ها و بررسی نکویی برازش مدل فرضیه سوم پژوهش

فرضیه‌ی فرعی سوم پژوهش؛ بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج به‌دست آمده از برازش مدل رگرسیون پژوهش در جدول شماره‌ی (۵) ارایه شده است:

جدول شماره (۵)، نتایج برازش مدل رگرسیون فرضیه فرعی سوم پژوهش

عنوان متغیر	متغیر	مقدار ضریب	ضریب استاندارد شده	آماره محاسبه شده t	احتمال	نتیجه	VIF
حق‌الزحمه‌ی حسابرسی	LNA FEE	۰/۰۲۳	۰/۰۱۴	۰/۱۶۲	۰/۰۰۸	مثبت و معنی‌دار	۱/۳۰۵
اندازه‌ی شرکت	SIZE	۰/۲۱۳	۰/۲۸۱	۲/۴۹۶	۰/۰۱	مثبت و معنی‌دار	۲/۰۷۰
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۷۴۰	۰/۰۳۵	۰/۳۹۷	۰/۰۰۶	مثبت و معنی‌دار	۱/۲۳۴
اهرم مالی	LEV	۰/۰۱۹	۰/۰۰۵	۰/۰۴۱	۰/۰۶	بی معنی	۲/۲۶۳
دوربین واتسون	۱/۶۰۲	ضریب تعیین شده	۰/۰۵۵	۰/۰۸۰	ضریب تعیین		
R ²	۰/۲۸۲	مقدار احتمال F	۰/۰۱۴	۳/۲۴۳	مقدار F		

$$FRQ3_{it} = 0.287 + 0.023 AFEE_2 + 0.213 SIZE_3 + 0.740 ROA_4 + 0.019 LEV_5 + \xi$$

معنی‌داری مدل فرضیه‌ی فرعی سوم پژوهش:

H₀: بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.

H₁: بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

در جدول فوق مدل با اثرات ثابت برآورد شده است؛ که مقدار احتمال معنی‌داری F در نکویی برازش کل مدل، برابر با ۰/۰۱۴ است که این مقدار کم‌تر از ۰/۰۵ بوده، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود، یعنی با سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل فرضیه معنی‌دار می‌باشد و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کیفیت حسابرسی با احتمال (۰/۰۰۸) و آماره‌ی محاسبه شده‌ی T با

مقدار (۰/۱۶۲) دارای رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیم (مثبت) با کیفیت در گزارشگری مالی می‌باشد و با توجه به این مهم که عامل تورم واریانس (VIF) کم‌تر از ۵ و بیش‌تر نزدیک به یک است می‌توان نتیجه گرفت بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد.

خلاصه و اهم نتایج مدل و آزمون فرضیه‌ها

هدف اصلی این پژوهش؛ بررسی وجود رابطه بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد. که فرضیه‌های پژوهش براساس اطلاعات گردآوری شده از صورت‌های مالی شرکت‌های بیمه مربوط به ۳۱ شرکت در ۵ سال متوالی از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۸ که در جدول (۶) خلاصه شده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول شماره‌ی (۶)، خلاصه نتایج نکویی برازش مدل‌های فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش	شرح فرضیه‌های پژوهش	قبول یا رد	جهت
فرضیه‌ی فرعی اول	بین کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد	قبول	مستقیم (مثبت)
فرضیه‌ی فرعی دوم	بین استقلال حسابرس با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد	قبول	مستقیم (مثبت)
فرضیه‌ی فرعی سوم	بین حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد	قبول	مستقیم (مثبت)
فرضیه‌ی اصلی	بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد	قبول	—

و در این رابطه؛ در این پژوهش متغیر وابسته، کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد، که برای ارزیابی آن از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)، استفاده شده است و کیفیت حسابرسی نیز متغیر مستقل اول پژوهش بوده که یک متغیر مجازی می‌باشد و همچنین استقلال حسابرس نیز متغیر مستقل دوم پژوهش بوده که بر اساس بند ۱۱-۱۶ بخش ب احکام قابل اجرا توسط حسابداران رسمی شاغل، در آیین رفتار حرفه‌ای جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (۱۳۸۲)، مبنای محاسبه قرار گرفته شده است و در نهایت متغیر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی که به عنوان متغیر مستقل سوم پژوهش، با استفاده از لگاریتم طبیعی میزان حق‌الزحمه حسابرسی می‌باشد؛ که برای ارزیابی آن از مدل آگوستین (۲۰۱۴)؛ و تن (۲۰۰۳) و کراسول و همکاران (۲۰۰۲)، استفاده و مورد بررسی قرار گرفته شده است. متغیرهای کنترلی استفاده شده در این پژوهش نیز به ترتیب متغیر اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی شرکت می‌باشد. لذا بدین منظور سه فرضیه فرعی در پژوهش انجام شده تبیین؛ که هر سه فرضیه‌ی فرعی پژوهش مورد تایید قرار گرفت. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه‌ی اصلی پژوهش هم مورد تایید قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در طی پژوهش انجام شده حاضر بیان شد، با توجه به وجود تضاد منافع بین مدیریت بنگاه‌های تجاری و استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) از گزارش‌های مالی، کیفیت گزارشگری مالی منجر به سودمندی در اتخاذ تصمیم آگاهانه توسط استفاده‌کنندگان (ذی‌نفعان) درباره‌ی سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های تجاری شده و میزان حق‌الزحمه‌ی حسابرسی مناسب، حفظ استقلال حسابرس و افزایش کیفیت حسابرسی می‌تواند در این راستا منجر به کاهش تصمیم‌های گزارشگری نامعقول مدیریت در رابطه با کیفیت سود و در نتیجه افزایش کیفیت گزارشگری مالی بنگاه تجاری شود، و از طرفی می‌تواند سبب امکان ایجاد وابستگی اقتصادی میان حسابرس و صاحب‌کار و فراهم آوردن موجبات بروز تردیدی اساسی درباره‌ی استقلال حسابرس و پایین آمدن کیفیت حسابرسی و تغییر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شده که این امر در نهایت می‌تواند سبب کاهش اعتماد عمومی (ذی‌نفعان) نسبت به نقش اعتباردهی حسابرسان و کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود. لذا هدف از پژوهش حاضر، تبیین وجود رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی شرکت‌های بیمه‌ای در ایران بوده که به منظور دست‌یابی به هدف پژوهش، دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. بنابراین نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیات پژوهش انجام شده حاکی از آن می‌باشد که بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران، رابطه‌ای معنی‌دار و مستقیم (مثبت) وجود دارد. و فرضیه‌ی اول فرعی پژوهش مورد تایید قرار گرفت که نتایج به‌دست آمده با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی قبلی انجام شده توسط سلیم و الزوی (۲۰۱۸) که بیان می‌نماید کیفیت حسابرسی و صلاحیت حسابرسی کیفیت گزارشگری را افزایش می‌دهد؛ آجی منساه (۲۰۱۸) که عنوان می‌نماید کیفیت حسابرسی بالاتر و کمیته‌ی حسابرسی اثر بخش در افزایش کیفیت افشای گزارشگری مالی اثر مکملی دارد؛ گاینور و همکاران (۲۰۱۶)؛ راسمین و همکاران، (۲۰۱۴) که بیان نمود حسابرسان برای حفظ شهرت و اعتبار خود بر آن هستند که رسیدگی دقیق‌تری انجام داده و کیفیت گزارشگری مالی افزایش دهند؛ چمبرز و پاین (۲۰۰۸) که بیان کردند کیفیت حسابرسی با اقلام تعهدی رابطه‌ی منفی دارند و افزایش کیفیت حسابرسی باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود؛ میرز و همکاران (۲۰۰۳) که عنوان نمودند، کیفیت بالای حسابرسی را در محدود کردن تصمیم‌های گزارشگری غیر متعارف مدیریت است؛ بهبهانی‌نیا، پریسا سادات؛ ولی زاده لاریجانی، اعظم (۱۳۹۹) که بیان کردند بین طبقه‌ی موسسه حسابرسی (کیفیت حسابرسی) و امتیاز افشا و اطلاع‌رسانی صاحب‌کار رابطه معنی‌داری وجود دارد، همخوانی دارد. همچنین بین استقلال حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران، رابطه‌ای معنی‌دار و مستقیم (مثبت) وجود

دارد و فرضیه‌ی دوم فرعی پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفت که نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی قبلی انجام شده توسط نیوتن و همکاران (۲۰۱۳) که بیان نمودند افزایش تمرکز در بازار فعالیت حرفه‌ی حسابرسی باعث کاهش ریسک حسابرسان می‌شود و به حسابرسان این اطمینان را می‌دهد که فعالیت حسابرسی را با کیفیت بیش‌تری انجام داده و افزایش استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی را در پی دارد و همچنین سلیم و الزوی (۲۰۱۸) طی پژوهشی بیان کردند استقلال حسابرس و تامین مالی بدهی پتانسیل مدیریت درآمد را کاهش می‌دهد و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد؛ راسمین و همکاران (۲۰۱۴)، که طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که وجود موسسه‌های کوچک به حسابرسان انگیزه می‌دهد که برای رقابت، به صاحب‌کاران تخفیف‌های بیش‌تری در حق الزحمه‌ی حسابرسی باید پیشنهاد شود که کاهش کیفیت حسابرسی را در بر دارد؛ فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تنها چند مؤسسه‌ی بزرگ توانایی حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ را دارند. که این موضوع به افزایش حق الزحمه و کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرس) منتهی می‌شود و فتحی، میثم (۱۳۹۷) که بیان نمودند بین مولفه استقلال حسابرس بر کیفیت حسابرسی همبستگی وجود دارد همخوانی دارد. در نهایت بین حق الزحمه‌ی حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای در ایران، رابطه‌ای معنی‌دار و مستقیم (مثبت) وجود دارد و فرضیه‌ی فرعی سوم پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفت که البته یکی از عوامل مهم آن را می‌توان، الزامات اجباری حاکم بر شرکت‌های بیمه‌ای از طرف بیمه مرکزی و استقرار نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌های بیمه‌ای از جمله استقرار کمیته‌ی حسابرسی و حسابرس داخلی مناسب و انتخاب سازمان حسابرسی و موسسه‌های حسابرسی با درجه‌ی کیفیتی بالا و مسلط به پیچیدگی‌های خاص صنعت بیمه و پرداخت حق الزحمه‌ی مناسب با مخاطرات و خدمات ارائه شده می‌توان بیان نمود؛ که نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش‌های خارجی و داخلی قبلی انجام شده لاراسیتی و همکاران (۲۰۱۹) که بیان نمودند بین کاهش ریسک کمیته‌ی حسابرسی و هزینه‌ی حسابرسی رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد؛ میترا، جگی و الحیال (۲۰۱۹) که دریافتند که وجود هیات مدیره اثربخش سبب تقاضای بیش‌تر برای حسابرسی با کیفیت شده و حق الزحمه‌ی حسابرسی در این شرکت‌ها افزایش می‌یابد؛ سوسانتی سوسنو (۲۰۱۳) که نشان دادند استقلال حسابرس و هزینه‌ی حسابرسی تاثیر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی دارند، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) که طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تنها چند مؤسسه بزرگ توانایی حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ را دارند. که این موضوع به افزایش حق الزحمه و کیفیت حسابرسی (و حفظ استقلال حسابرس) منتهی می‌شود؛ هتفیلد و همکاران (۲۰۰۷) که بر این عقیده بودند که حسابرسان برای جذب و حفظ مشتری، حق الزحمه‌ی کمی را دریافت می‌کنند و انتظار دارند تا در سال‌های بعد از طریق افزایش این حق الزحمه، زیان‌های سال‌های اول حسابرسی را جبران کنند؛ هویتاش و همکاران (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که طبق دیدگاهی

حق الزحمه‌های بالا می‌تواند از طریق افزایش تلاش‌های حساب‌رسان منجر به افزایش کیفیت حسابرسی شود؛ گرجی‌زاده، داود؛ خان محمدی، محمد حامد؛ بزرگی، زهرا (۱۳۹۶) که نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی پژوهش، حاکی از این است که اندازه موسسه حسابرسی و تغییر حق الزحمه حسابرس بر کیفیت حسابرسی رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد؛ حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۵) که به این نتیجه رسیدند هر قدر حسابرس از کیفیت، شهرت و نفوذ در بازار حسابرسی و قدرت چانه زنی بیش‌تری برای تعیین حق الزحمه برخوردار باشد، بر حق الزحمه‌ی حسابرسی او افزوده خواهد شد؛ نتایج پژوهش نیکبخت و همکاران (۱۳۹۵) حاکی از آن بود که تغییر حق الزحمه‌ی حسابرس با کیفیت حسابرسی رابطه‌ی معنادار وجود دارد، همخوانی دارد. پس؛ می‌توان نتیجه‌گیری کرد، که فرضیه‌ی اصلی پژوهش هم مورد تایید قرار گرفته است. همچنین همان‌طور که مستحضرید، حسابرسی در طی عمر نه‌چندان طولانی خود با چالش‌های فراوانی رو به رو می‌باشد که یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها حفظ استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی انجام شده می‌باشد. زیرا از یک طرف حسابرس، حق الزحمه‌ی خود را از صاحب‌کار دریافت می‌کند و از طرف دیگر باید در مورد کار او اظهار نظر کند؛ و این امر باعث شده تا همواره استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و حق الزحمه‌ی حسابرسی یکی از موضوعات مورد بحث در پژوهش‌های اخیر و مورد توجه پژوهشگران باشد. لذا با توجه به نتایج این پژوهش که حاکی از وجود رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیم (مثبت) کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و حق الزحمه‌ی حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های بیمه‌ای است، بنابراین توصیه می‌شود نهادهای نظارت‌کننده بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با استقرار سازوکارهای مناسب از جمله تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت مبادرت نموده، و همچنین شرکت‌های مشابه که در خصوص حوزه‌های تخصصی و صنعت خاصی فعالیت می‌کنند و به مانند شرکت‌های بیمه‌ای نظام راهبری شرکتی که از ارکان آن کمیته‌ی حسابرسی و حسابرس داخلی مناسب است را پیاده‌سازی نمایند و در انتخاب اعضای کمیته و نحوه‌ی سنجش حسابرس داخلی مولفه‌های شایستگی مدنظر قرار گیرد؛ تا تمهیدات لازم را برای کاهش وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحب‌کار و به تبع آن افزایش استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی و در نهایت افزایش کیفیت گزارشگری مالی را فراهم آورند که در ادامه پیشنهادهایی در ارتباط با انتخاب حسابرس مستقل و ارجاع کار به وی جهت حفظ استقلال حسابرس و بالا بردن سطح کیفیت حسابرسی به شرح زیر بیان شده است؛ که در این رابطه پیشنهاد می‌شود، بنگاه‌های تجاری که حوزه و صنعت خاصی مشابه با صنعت بیمه فعالیت می‌نمایند، جهت استفاده از خدمات اعتباردهی سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی می‌تواند با تعیین مکانیزم‌ها و راهکارهای جامع و مناسبی در رابطه با ارجاع کار حسابرسی، سبب ارتقای کیفیت انجام کار حسابرسی و حفظ استقلال حسابرس گردند. همچنین از الگوی موفق ارجاع کار به سازمان حسابرسی و موسسه‌های درجه یک در امر حسابرسی که در آن صنعت خاص و مورد نظر دارای تخصص و صلاحیت لازم

می‌باشند، استفاده نموده و حق الزحمه‌ی آنان را بر اساس الزامات خاص حاکم بر نوع انجام کار و پیچیدگی صنعت مورد نظر مشخص نمایند که در این صورت نخست، نگرانی از میزان تعیین حق الزحمه و از دست دادن صاحب‌کار که از عوامل مهم و تاثیرگذار در کاهش استقلال حسابرس می‌باشد، تا حدود قابل توجه‌ای بلااثر شده و همچنین مطابق با اندازه و نسبت به نوع و پیچیدگی کار و توان و ظرفیت بلااستفاده هر موسسه‌ی حسابرسی، انجام کار تعیین و به ایشان ارجاع می‌گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود، در حال حاضر سازمان بورس دستورالعملی با هم فکری سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی در نحوه‌ی انتخاب حسابرس مستقل معتمد بورس، نحوه‌ی تعیین میزان حق الزحمه‌ی عملیات حسابرسی که باید توسط شرکت‌ها، بر اساس اندازه‌ی شرکت‌ها و نحوه‌ی انجام عملیات آن‌ها و همچنین نوع صنعت به حسابرس پرداخت شود، تعیین و ابلاغ نماید؛ تا امکان کاهش حق الزحمه‌ی حسابرسی و نرخ شکنی برخی از موسسه‌های حسابرسی که امکان دارد سبب کاهش کیفیت و استقلال حسابرس، به منظور مساعد نمودن زمینه جهت سوء استفاده‌ی مدیریت در نحوه‌ی تهیه‌ی صورت‌های مالی می‌شود، میسر نگردد. در آخر در راستای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران مبادرت به بررسی بیش‌تر تأثیر حق الزحمه‌ی حسابرسی، استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت‌های مشابه بیمه بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی با در نظر گرفتن نقش ارتقای جایگاه شرکت در زمینه‌ی کیفیت افشا، پایداری سود، و حاکمیت شرکتی اقدام نمایند و همچنین تبیین مدلی مفهومی ارتقا یافته در رابطه با تعیین کمی استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و حق الزحمه‌ی حسابرسی در این خصوص مبادرت نمایند تا در پژوهش‌های آتی در این حوزه مورد استفاده قرار گرفته و سودمند واقع شود.

منابع

بزرگ اصل، موسی (۱۳۸۰)، «برداشت حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان از محتوای پیام‌های ارسال شده به وسیله گزارش‌های حسابداری»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۹.

بنی مهد، مهدی، مرادزاده فرد، مهدی، زینالی، مهدی (۱۳۹۱)، «اثر حق الزحمه حسابرسی بر اظهار نظر حسابرس»، فصل‌نامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره یازدهم، صص ۴۱-۵۴.

بهبهانی نیا، پریسا سادات؛ ولی زاده لاریجانی، اعظم (۱۳۹۹)، «تأثیر طبقه مؤسسات حسابرسی معتمد بر گزارشگری مالی صاحب‌کاران»، پژوهش‌های تجربی حسابداری: پاییز، شماره ۳۷، ۲۱۱-۱۸۷.

تحریری، آرش؛ پیری سقرلو، مهدی (۱۳۹۹)، «استقلال حسابرس؛ تحلیلی مقایسه‌ای از نگرش حسابرسان و مدیران مالی ایرانی»، پژوهش‌های تجربی حسابداری، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳۶، صص ۱۹۲-۱۳۹.

جامعه حسابداران رسمی ایران (۱۳۸۲)، کتاب آیین رفتار حرفه‌ای، تالیف مرکز آموزش و تحقیقات حسابداری و حسابرسی حرفه‌ای، ناشر جامعه حسابداران رسمی ایران، چاپ انتشارات نقش ایران، ص ۲۱ و ۲۲.

حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۱)، کتاب فلسفه حسابرسی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ پنجم سال ۱۳۹۱.

حساس یگانه، یحیی، برزیده، فرخ، تقوی فرد، محمدتقی و محمد فرهمند سیدآبادی (۱۳۹۵)، «بررسی تاثیر گردش اجباری موسسه‌های حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی و رقابت در بازار حسابرسی»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال بیست و سوم، شماره ۳، ص ۳۵۲-۳۳۳.
رحمانی، علی و زهرا امینی (۱۳۹۰)، «استانداردهای حسابداری و کیفیت اطلاعات حسابداری»، نهمین همایش سراسری حسابداری ایران، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ماه، ص ۱۰۸-۹۶.

سجادی، سیدحسین، محمدی، کامران (۱۳۸۹)، «مفهوم کیفیت سود و روش‌های ارزیابی آن»، www.jit.blogfa.com

طالب تبارم میثم (۱۳۹۰)، «رابطه‌ی بین ویژگی‌های هیأت مدیره و دستمزد حسابرسی» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

طرخورانی، علی؛ محمدی، سید موسی؛ عسکری، میثم (۱۳۹۹)، «بررسی تاثیر کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت‌گذاری اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری: تابستان، شماره ۳۸ (جلد هشتم)، ۷۹-۶۵.
فتحی، میثم (۱۳۹۷)، «بررسی اثر استقلال حسابرِس بر کیفیت حسابرسی»، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، بهار ۱۳۹۷، دوره جدید شماره ۱، ص ۹۴-۸۵.

گرچی زاده، داود؛ خانمحمدی، محمدحامد؛ بزرگی، زهرا (۱۳۹۶)، «تاثیر اندازه موسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی»، مجله مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، دوره سوم - شماره ۱۲، ص ۲۰۸-۱۹۷.

مرفوع، محمد (۱۳۹۰)، «ریسک نقدشوندگی سهام و کیفیت اطلاعات حسابداری»، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مدیریت و حسابداری.

ملاایمنی، وحید و مرفوع، محمد (۱۳۹۴)، «رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تاخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی»، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۷۵-۵۱.

مهرانی ساسان، جمشیدی اوانکی کورش (۱۳۹۰)، «عوام مؤثر بر تعیین دستمزد حسابرسی»، حسابدار رسمی ۱۳، صص ۷۸-۶۰.

نیکبخت، محمدرضا، شعبان زاده، مهدی، کنارکار، امین (۱۳۹۵)، «رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی»، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، شماره ۱، صص ۲۰۸ - ۱۹۰.

Agyci-Mensah, B. K. (2018). The effect of audit committee effectiveness and audit quality on corporate voluntary disclosure quality. *African Journal of Economic and Management Studies*, 10 (1): 17- 31.

Augustine O. Okolie. (2014). "Auditor tenure, Auditor independence and accrual-Based earnings management of quoted companies in Nigeria". *European Journal of Accounting Auditing and Finance Research* Vol.2.No2, pp.6390.

Chambers, Payne (2008), Audit Quality and Accrual Reliability: Evidence from the pre and post Sarbanes-Oxley Periods, Available at www.ssrn.com.

Craswel, A., Stokes, D. J. and Lughton, J. (2002). "Auditor independence and fee independence, *Journal of Accounting and Economics*", 33, 253 – 275.

Francis, J. R., Michas, P. N. & S. E. Seavey. (2013). "Does audit market concentration harm the quality of audited earnings? Evidence from audit markets in 42 countries". *Contemporary Accounting Research*, Vol. 30, No. 1, Pp. 325– 355.

Francis, R. Lafond, P. Olsson and K. Schopper (2004), costs of equity and earnings attributes. *The Accounting Review*, 79: 967-1010.

Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., Schipper, K. (2005) «The market pricing of accruals quality» *Journal of Accounting and Economics* 39, 295–327. 21-Gosh;

Gaynor, L. M., Kelton, A. S., Mercer, M., & Yohn, T. L. (2016). Understanding the relation between financial reporting quality and audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 35 (4), 1-22.

Hatfield, R. C., Jackson, S. B., & Vandervelde, S. D. (2007). The effects of auditor rotation and client pressure on proposed audit adjustments. Working paper. University of Alabama.

Hoitash, R, Markelevich. & Barragato, C. A. (2007). Auditor fees and audit quality. *Managerial Auditing Journal*, 22, 761-786.

45. Larasati et al., *Cogent Business & Management* (2019), 6: 1707042, <https://doi.org/10.1080/23311975.2019.1707042>.

Li, Y. S., Taylor, S. & Wong, L. (2007). "Audit Quality, Earning Quality and the Cost of Equity Capital", Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=1481823>.

Mitra, S., Jaggi, B., & Al-Hayale, T. (2019). "Managerial overconfidence, ability, firm governance & audit fees", *Review of Quantitative Finance & Accounting*, 52(3), 841-870.

Myers, J., Myers, L., & Omer, T. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review*, 78(3), 779-799.

Newton, N. J., Wang, D. & M. S. Wilkins. (2013). "Does a lack of choice lead to lower quality? Evidence from auditor competition and client restatements". *Auditing*:

- A Journal of Practice and Theory, Vol. 32, No. 3, Pp. 31– 67.
- Rahman Khan, A., Hossain, D. M., & Siddiqui, J. (2011). Corporate ownership concentration and audit fees: The case of an emerging economy. *Advances in Accounting*, 27 (1), 125-131.
- Rusmin R, Astami E.W, Hartadi B, (2014), “*The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management*”, *Asian Review of Accounting*, Vol. 22 Iss 3 pp. 217 – 232.
52. Saleem Ebraheem Alzoubi Salem. (2018).”*Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan*”, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Volume 30, March 2018, Pages 69-84.
- Susanti Suseno, N. (2013). “*An empirical analysis of auditor independence and audit fees on audit quality*”. *International Journal of Management and Business Studies* ISSN: 2167(3), 3, 0439-87-81.
- Vanstraelen, A. (2000). Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality. *The European Accounting Review*, 9 (3), 419-443.
- Walker, M (2003) ‘Principal/agency theory when some agents are trustworthy’, *Accounting and Finance*, Working Paper, Manchester: Manchester Business School, Manchester University.
- Wooten, T. C. (2003). “Research about audit quality, *The CPA Journal* (January), 2003, <http://www.nysscpa.org>. Retrieved: April 21, 2012.

“Explaining the Relationship between Audit Quality, Auditor Independence, Audit Fee, and Financial Reporting Quality in Insurance Companies”

Roya Darab¹, Bahram Pasandideh Parsa² and Mohammadreza Hajireza³

Abstract

Given the usefulness of the quality of financial reporting in making informed decisions by users (stakeholders) about investing in businesses, Audit fees, maintaining auditor independence, and increasing audit quality can reduce unreasonable management reporting decisions regarding profit quality and ultimately increase the quality of the business's financial reporting, on the other hand, it can cause economic dependence between the auditor and the client and provide for fundamental doubts about the auditor's independence and the decline in audit quality and change in audit fees. This will reduce public confidence (stakeholders) in the quality of financial reporting. Therefore, the purpose of this study is to explain the relationship between audit quality, auditor independence and audit fees with the quality of financial reporting in insurance companies. The method of the present study was correlational in nature and content and hypothesis testing based on multivariate regression was used and in terms of the type of purpose, it has been part of applied research and the research has been done in the framework of inductive reasoning. Its statistical population includes all insurance companies in Iran. In order to achieve the research goal, the period between 1392 to 1398, has been selected as a sample. The results of the test of research hypotheses indicate a significant and direct (positive) relationship between audit quality, auditor independence and audit fees with the quality of financial reporting in insurance companies in Iran.

Keywords: Audit Quality, Auditor Independence, Audit Fee and Financial Reporting Quality.

JEL Classification: M41, M49

1. Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran Royadarabi110@yahoo.com (Corresponding Author)

2. Ph.D student in Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. pasandideh_p@yahoo.com

3. Ph.D student in Accounting, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. mahdi.gharib@yahoo.com